

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۵۲-۷۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2023.700256](https://doi.org/10.30495/dk.2023.700256)

۵۲

## مقایسه تطبیقی اشکال گوناگون تشیبیه در حدیقه سنایی و مثنوی معنوی

سهراب یوسفی<sup>۱</sup>، دکتر محمدعلی خالدیان<sup>۲</sup>، دکتر روح الله هادی<sup>۳</sup>، دکتر حسنعلی عباسپور<sup>۴</sup>  
اسفند

### چکیده

در تحلیل آثار کهن ادب فارسی، اغلب محتوا و درونمایه اشعار موضوع سخن بوده است و کمتر ساختار اشعار و ارتباط اجزای سخن مورد بررسی قرار گرفته است. تشیبیه، به عنوان یکی از فنون و ابزارهای بیانی، پایه شکل‌گیری بسیاری از تصاویر شعری است. شاعر از طریق این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند و ساختار ذهنی خود را با آن شکل می‌دهد. مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به واکاوی و مقایسه تشیبیه و طبقه‌بندی انواع آن در حدیقه سنایی و دفتر نخست مثنوی مولانا می‌پردازد. مقایسه اشکال گوناگون تشیبیه در حدیقه و مثنوی، نشان‌دهنده آن است که سنایی و مولانا، هر یک، بیشتر از چه ساختارها و عناصری در سبک تعلیمی برای ادای مقاصد خویش سود جسته‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش، تشیبیه از نوع معقول به محسوس در مثنوی، و محسوس به محسوس در حدیقه پرکاربردترین تشیبهات هستند. در تقسیم‌بندی‌های دیگر، پس از تشیبیه بلیغ که پرتکرارترین تشیبیه در هر دو اثر است، تشیبیه جمع در حدیقه و تشیبیه مفروق در مثنوی در صدر قرار دارند. همچنین پدیده‌های طبیعی در هر دو اثر بیشترین عناصر به کاررفته در مشبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، که این امر می‌تواند تحت تأثیر طبیعت‌گرایی رایج در عرفان و تصوف باشد که در بسیاری موارد طبیعت را نیز دارای روح و حرکت می‌داند. نیز یکی از پرتکرارترین مشبه‌ها در این دو اثر «انسان» و پرسامدترین مشبه به «آب» است. این شباهت در نوع خود جالب توجه است و نیاز به واکاوی دارد.

**واژگان کلیدی:** تشیبیه، عرفان، مثنوی، مولوی، حدیقه، سنایی.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

S.Yousefi@gorganiau.ac.ir

<sup>۲</sup>. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.(نویسنده مسئول)

M.khaledian@gorganiau.ac.ir

<sup>۳</sup>. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Rhadi.ut.ac.ir

<sup>۴</sup>. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

abbaspour@gorganiau.ac.ir



## مقدمه

از میان انواع صورت‌های خیال، تشبیه در عینی کردن مفاهیم انتزاعی نقش اساسی دارد و نیز جنبهٔ بصری آن قوی‌تر است. تشبیه یکی از زیباترین و هنرمندانه‌ترین شکل تصویرگری در ادبیات بوده و هست. بدین صورت که یکی از طرفین تشبیه، در صفت یا حالتی به طرف دیگر تشبیه که در آن صفت یا حالت مرتبه‌ای والا و معروف دارد مانند می‌شود، بدون اینکه صفات یا حالات دیگر آنها مورد نظر باشد. به کارگیری انواع مختلف تشبیه ارزش زیباشناسی آثار ادبی را افزایش می‌دهد و ذهن خواننده و شنونده را به اعجاب و شگفتی وامی دارد و همین امر اهمیت این صنعت را نمایان می‌سازد.

یکی از بارزترین تصاویر هنری که سنایی و مولانا در بیان مضامین عرفانی و تعلیمی از آن بهره برده‌اند، تشبیه است. تشبیه در آثار ایشان کاربرد وسیع و معناداری دارد و به صورت‌های گوناگون در کلامشان جلوه‌گر می‌شود. بسامد بالای تشبیه در سخن سنایی و مولانا تا حدی است که گاه در ایضاح یک مطلب به بیان یک تشبیه اکتفا نمی‌کنند و ابتدا یک حقیقت عرفانی، دینی یا اخلاقی را بیان کرده، سپس آن را با یک سلسله تمثیل‌ها مجسم می‌سازند. نکتهٔ دیگر برقراری ارتباط عمیق بین لفظ و معنای کلام در این تصاویر است؛ به صورتی که بین مشبه و مشبه به از لحاظ لفظی نیز تناسب و همانگی وجود دارد و این امر بر گیرایی و تأثیر سخن ایشان می‌افزاید.

در اینکه مولانا و امدادار بی‌چون و چرای سنایی است و در اینکه او مثنوی معنوی را به پیروی از حدیقه سروده است، تردیدی نیست. سنایی در ساختار فکری مولانا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تا جایی که زمانی که حسام الدین از مولانا می‌خواهد از نظم غزلیات بازنایستد و منظمه‌ای به شیوه‌الهی نامه سنایی تصنیف کند، مولانا بی‌درنگ می‌پذیرد و از مطابع特 روشن حکیم سرباز نمی‌زند.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود به دو پرسش اصلی پاسخ داده شود که: الف) سنایی و مولانا هریک بیشتر از کدام نوع و شکل تشبیه استفاده کرده‌اند و چرا؟ ب) مولانا در این زمینه تا چه حد از سنایی تأثیر پذیرفته است؟ در این راستا حدیقه و دفتر نخست مثنوی مورد مطالعه قرار گرفته و انواع تشبیه بر اساس چهار معیار بررسی می‌گردد. همچنین عناصر به کاررفته در مشبه‌ها و پرسامدترین مشبه و مشبه‌به‌ها نیز مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد.

## پیشینه تحقیق

بر اساس جستجوی نگارندگان تا کنون پژوهشی که انواع تشبیه را از نظر کمی و کیفی در حدیقه و مثنوی مورد تحلیل و مقایسه قرار دهد، صورت نگرفته است. با وجود این پژوهش‌های مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. میرباقری فرد و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل کاربردهای تشبیه طنز در مثنوی» معتقدند در میان اقسام تشبیه در مثنوی معنوی گونه‌ای تشبیه مشاهده می‌شود که درونمایه طنز دارد و مولوی برای انتقال مضامینی ویژه از آن بهره برده است که این گونه تشبیه را تشبیه طنز نامیده‌اند. «بررسی ساختارهای تشبیه در غزلیات شمس» از روحانی (۱۳۹۲) عنوان مقاله‌ای دیگر در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر است. نویسنده اذعان دارد تشبیه در غزلیات مولانا حضوری پررنگ دارد و از آن درجهٔ برهه برده است که این گونه تشبیه را تشبیه طنز نامیده‌اند. «بررسی و همکارانش (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تطور استعاره عشق از سنایی تا مولانا» طرز تلقی سنایی، عطار و مولانا، به عنوان سه نقطه عطف در تاریخ شعر عرفانی را، از نظر مفهوم کلیدی عشق بررسی کرده‌اند. این تحقیق هم میزان نوآوری و تقلید سه چهره مذکور را در استفاده یا ساختن استعاره‌های عشق نشان می‌دهد و هم مشخص می‌سازد مفهوم عشق به عنوان کلیدی ترین اصطلاح عرفان در طول تاریخ چه تغییراتی را از سر گذرانده است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور در بررسی تطبیقی تشبیه در حدیقه و مثنوی است. اینکه دو شاعر به ترتیب از کدام انواع تشبیه بیشتر بهره برده و چراً این کاربرد در کلام آنها چیست. دیگر اینکه وجود تشابه و تمایز این دو اثر در این زمینه چیست.

## روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌یابی کتابخانه‌ای انجام گرفته است. در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از داده‌های کمی و آماری، تحلیل‌های توصیفی و کیفی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حدیقه سنایی و دفتر نخست مثنوی معنوی است.

## مبانی تحقیق عرفان

عرفان در لغت به معنی شناخت است و در اصطلاح معرفتی است مبنی بر ادراک که انسان به واسطه آن به طور مستقیم به وجود مطلق راه می‌یابد.

عرفان به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. عرفان نظری که ادراک حقیقت از طریق علم حضوری و عقل است.
۲. عرفان عملی مجموعه رفتاریست مبتنی بر زهد و ریاضت که عارف را به حق برساند.

۵۵

### تشبیه

تشبیه ادعای خیالی مشابهت میان دو یا چند چیز است و جهشیه اساس تشبیه و مایه خیال انگیزیست که معمولاً با اغراق همراه است.

شاعر صفت مشترک را به وسیله تخیل خود کشف می‌کند و تشبیه را می‌آفریند.

تشبیه از مقوله‌های مهم و پرکاربرد علم بیان است که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجهشیه پایه‌های تشبیه هستند، مشبه و مشبه به طرفین تشبیه‌اند و در تمام تشبیهات حضور دارند اما ادات و وجهشیه می‌تواند حذف شود.

### سنایی و حدیقه سنایی

حکیم ابوالمجد مجدد بن آدم سنایی غزنوی شاعر اندیشمند ایران در قرن پنجم و ششم هجری می‌زیست. تولد سنایی در شهر غزنه که در جنوب افغانستان امروزیست، رخ داده است تاریخ دقیق ولادت او روشن نیست.

آثار سنایی شامل حدیقة‌الحقیقه، دیوان، کارنامه بلخ، تحریمه القلم، طریقة‌التحقیق، مکاتیب می باشد که حدیقة‌الحقیقه مهم‌ترین آثار اوست از شاهکارهای مهم ادبیات فارسی است و اولین کتاب مثنوی عارفانه است. حدیقه به تعبیری دایرة‌المعارفی است که در آن شاعر از همه چیز سخن می‌گوید. لحن او در این کتاب تعلیمی است در نظم حدیقه کاربرد آیات و احادیث و اخبار پیامبر (ص) و صحابه دیده می‌شود که تاویلی دارد وفات سنایی را سال ۵۴۵ هـ ق می‌داند و سنایی در محله نیکوآباد شهر غزنه درگذشت.

### مولانا و مثنوی

جلال الدین محمد فرزند بهاء الدین در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری در بلخ ولادت یافت و از سلاله پیامبران شعر و ادب فارسی و خلاق‌ترین آنهاست. آثار مولوی را با دو عنوان سرودها و نوشته‌ها می‌توان تقسیم کرد.

الف) اشعار: ۱. مثنوی معنوی ۲. کلیات شمس.

مهم‌ترین و پرآوازه‌ترین اثر منظوم مولوی که در واقع هم طراز با شاهنامه فردوسی از

بر جسته‌ترین منظومه‌های ادبیات فارسی نیز هست، کتاب مثنوی معنوی شریف است. در این منظومه طولانی که آن را به حق باید یکی از بهترین زادگان اندیشه بشری دانست مولوی مسائل مهم و عرفانی و دینی و اخلاقی را مطرح می‌کند.

ب) نوشه‌ها که شامل فیه ما فیه، مجالس سبعه و مکاتیب می‌باشد.

تبیین عواطف آدمی، انسان محوری و چگونگی ارتباط با پروردگار و جهان اطراف آن از جمله اندیشه‌های ناب این عارف توانمند به شمار می‌رود. وفات وی در پنجم جمادی الآخر سال ۶۷۲ در قونیه اتفاق افتاد.

### بحث

در این بخش تشیبیه بر اساس چهار معیار مورد تقسیم‌بندی و بررسی قرار گرفته است: بر حسب فشردگی یا گسترده‌گی ساختار آن؛ بر حسب عقلی یا حسی بودن طرفین؛ بر حسب فرم و شکل آن؛ و بر اساس عناصر به کار رفته در مشبه‌ها. در ادامه به بررسی اشکال گوناگون تشیبیه در حدیقه و دفتر اول مثنوی پرداخته می‌شود.

#### تقسیم تشیبیه بر حسب فشردگی یا گسترده‌گی ساختار آن

در این تقسیم‌بندی کوتاه‌ترین شکل و ساختار تشیبیه، یعنی اضافه‌تشیبیه را «تشیبیه فشرده» و هر تشیبیه دیگری که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد، «تشیبیه گسترده» نامیده‌ایم. در این جستار، تشیبیه بلیغ و تشیبیه مجمل جزو تشیبیهات فشرده و تشیبیه مفصل و مطلق جزو تشیبیهات گسترده در نظر گرفته شده‌اند.

الف) تشیبیه مطلق: وقتی تشیبیه دارای تمامی ارکان خود، یعنی مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشیبیه باشد، به آن تشیبیه مطلق می‌گویند. «تشیبیه در صورت گسترده و کامل خود جمله‌ای است که چهار جزء دارد که به آنها ارکان تشیبیه می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۴). به یک نمونه از این تشیبیه در حدیقه توجه کنید:

یارب این پندها ز ناااهلان همچو عنقا ز بد کنی پنهان  
(سنایی، ۱۳۲۹: ۷۴۱، ب۱۴)

تعداد تشیبیهات مطلق در مثنوی کمتر از حدیقه است؛ این مسئله نشان می‌دهد مولانا به بیان تمامی ارکان در تشیبیه رغبت بیشتری نشان داده است که البته این امر می‌تواند ناشی از رشد و تطور تشیبیه و حرکت هرچه بیشتر آن به سمت استعاره در طول تاریخ بلاغت باشد. در مصراع دوم بیت زیر، شاهد تشیبیه مطلق هستیم.

از هلیله قبض شد اطلاق رفت      آب آتش را مدد شد همچو نفت  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ب ۵۴)

ب) تشییه مفصل: تشییه‌ی است که وجه شبه آن ذکر شود. در تشییه‌های مفصل جایگاه چندانی برای تأمل و مشارکت مخاطب وجود ندارد. توجه شاعر بدین نوع تشییه می‌تواند بینگر پرهیز او از شعر سمبولیک و استعاری باشد. در حدیقه تعداد تشییه‌های مفصل در مقایسه با تشییه مجمل بسیار کمتر (حدود یک دهم) است. این امر نشان می‌دهد سنایی علاقه‌ای به ذکر وجه شبه و تبیین آن برای مخاطب نداشته است و تلاش ذهنی و ادبی مخاطب را خواستار است. به نمونه‌هایی از این تشییه در حدیقه اشاره می‌شود:

همچو طوبی است تازه و خوش و نو      به همه جایگه رسیده چون او  
(سنایی، ۷۱۱۳۲۹: ۱۰، ب ۱۰)

قول او ختم دان تو، چون قرآن      لفظ او جزم دان تو، چون فرقان  
(همان، ۲۰۴، ب ۱۳)

در دفتر اول مثنوی نیز تعداد تشییه‌های مجمل در مقایسه با تشییه‌های مفصل بسیار کمتر است و از این نظر میان این دو اثر شباهت وجود دارد.

چون سلیمانی دلا در مهتری      بر پری و دیو زن انگشتی  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۵۷۸)

رنگ و بو غماز آمد چون جرس      از فرس آگه کند بانگ فرس  
(همان، ج ۱، ۱۲۶۸)

ج) تشییه مجمل: تشییه فشرده در استعمال سنایی و مولانا گاه مصدق تشییه مجمل است که وجه شبه در آن حذف می‌گردد. برخلاف تشییه مفصل، در این نوع تشییه، وجه شبه ذکر نمی‌شود و این نوع تشییه در قیاس با تشییه مفصل ادبی‌تر است؛ زیرا ذکر وجه شبه، شباهت طرفین تشییه را محدود می‌کند و مانع جولان ذهن می‌گردد. بسامد این تشییه در حدیقه بیشتر از دفتر نخست مثنوی است و بخش عمده تشییه‌های حدیقه خالی از اشاره به وجه شبه هستند (با احتساب تشییه‌های بلیغ). در دفتر نخست مثنوی نیز تعداد تشییه‌های مجمل تقریباً چهار برابر تعداد تشییه‌های مفصل است.

د) تشییه بلیغ: تشییه فشرده بهجهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشییه در آن، از بлагفت و تأثیر بیشتری نسبت به تشییه گسترده برخوردار است. از این‌رو به این

ساخтар تشیبیه بلیغ گفته می‌شود؛ چراکه همواره ذهن شنونده و مخاطبین را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشیبیه یا وجه شبه آن دو به جست‌وجو و کوشش وامی‌دارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال می‌نماید (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۷۳: ۶۹-۸۳). در حدیقه سنایی بسامد تشیبیه بلیغ اضافی کمتر از تشیبیه بلیغ غیراضافی (حدود یک‌سوم) است. لازم به ذکر است پربسامدترین تشیبیه در حدیقه تشیبیه بلیغ است. برخی از این تشیبیهات بدین قرارند: «آتش عشق» (ص ۷۴، بیت ۱)، «ملک استغنا» (ص ۲۱۱، بیت ۵)، «ترازوی انصاف» (ص ۱۵۸، بیت ۸)، «نور ایمان» (ص ۷۵، بیت ۲)، «صبح پیری» (ص ۷۱۹، بیت ۱۹)، «بوته تویه» (ص ۱۵۷، بیت ۳)، «قبای بقا» (ص ۳۴۵، بیت ۱۵)، و «سنگ غم» (ص ۳۳۳، بیت ۵).

در دفتر اول مثنوی نیز بسامد تشیبیه بلیغ اضافی کمتر از تشیبیه بلیغ غیراضافی (حدود یک‌دوم) است. «باد شهوت» (بیت ۳۷۹۶)، «چوب استدلال» (بیت ۲۱۳۵)، «بحر اسرار» (بیت ۲۸۴۳)، «گندم اعمال» (بیت ۳۸۲)، «طفوان بیداری» (بیت ۴۰۴)، «تیغ حلم» (بیت ۳۷۴۶)، «دام تن» (بیت ۳۸۸)، «اسب جان» (بیت ۴۰۰)، «تخم خدمت» (بیت ۲۸۱۵) نمونه‌هایی از این تشیبیهات هستند. بنابراین در این اثر نیز تشیبیه بلیغ پربسامدترین نوع تشیبیه است. می‌توان گفت تشیبیه بلیغ یک مرحله قبل از استعاره قرار دارد و از این نوع نزدیک‌ترین نوع تشیبیه به استعاره است. هدف تشیبیه بلیغ تأکید در تشابه و نزدیکی مشبه به مشبه و مبالغه در ادعای اتحاد بین دو طرف تشیبیه از تمامی جهات است؛ زیرا حذف ادات بیانگر اتحاد مشبه و مشبه است؛ به گونه‌ای که دو طرف مساوی شده و برتری مشبه ازین می‌رود. بنابراین علت پر تکرار بودن تشیبیه بلیغ در این دو اثر این است که سنایی و مولوی در تصویرسازی از مفاهیم سعی دارند مخاطب را اقناع کنند که طرفین تشیبیه در همهٔ صفات اتحاد دارند؛ به طوری که مشبه همان مشبه است. از سویی دیگر «تشیبیهاتی که در آن‌ها وجه شبه و ادات تشیبیه ذکر نشده است، شعر را بیشتر به فضای ابهام‌آمیز و ویژهٔ شعر می‌کشاند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲۱ و ۲۲۲).

### تقسیم تشیبیهات بر حسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشیبیه

حسی بودن یعنی قابل درک و دریافت بودن با حواس پنج گانهٔ ظاهر و عقلی بودن به معنای مطلق غیرحسی است. در کتاب معالم‌البلاغه آمده است که تشیبیه عقلی سه دسته وهمیات، وجدانیات و عقليات صرف را نیز دربرمی‌گیرد. در توضیح این موارد می‌خوانیم: «مراد از وهمی در این مقام چیزی است که نه خودش و نه تمام موادش در خارج موجود نباشد، لیکن به نحوی باشد که اگر اجزایش به تمامی موجود شود، خود آن هم محسوس گردد؛ مانند پر و بال

سیمرغ و صدای غول، اما وجدانیات اموری هستند که به قوای باطنی ادراک شوند مانند لذت، الٰم، سیری، گرسنگی، تشنجی، اما عقلیات صرفه عبارتند از: معانی کلی که مدرک آنها عقل است بالاستقلال؛ یعنی عقل آنها را بدون واسطه قوای نفسانی ادراک می‌کند مانند حقیقت انسان، حقیقت نور و ...» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۶-۲۴۴). با در نظر گرفتن حسی یا عقلی بودن مشبه یا مشبه‌به، چهار نوع تشبيه خواهیم داشت، در اینجا این چهار قسم را ذکر می‌کنیم.

الف) تشبيه معقول به محسوس: یکی از جنبه‌های هنری تشبيه که شاید بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین جنبه باشد، همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است. کروچه می‌گوید: «تصور آن گاه جنبه هنری پیدا می‌کند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹). در این تقسیم‌بندی، دومین تشبيه پرکاربرد در حدیقه سنایی از نوع تشبيه معقول به محسوس است. چند نمونه از این تشبيه در حدیقه آورده می‌شود:

زهر قهر از میان جان دارند    شکر شکر بر زبان دارند  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۴۹۰، بـ)

هر که او تخم کاهلی کارد    کاهلی، کافریش بار آرد  
(همان، ۷۳)

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، تشبيه از نوع معقول به محسوس دارای بیشترین بسامد در دفتر نخست مثنوی معنوی است و در واقع بیش از نیمی از تشبيهات در این اثر از نوع محسوس به معقول هستند. در واقع تشبيه «معقول به محسوس» و «محسوس به محسوس» در حدیقه و مثنوی به ترتیب دارای جایگاه دوم و اول، و اول و دوم هستند و جای خود را به یکدیگر می‌دهند. به چند نمونه از این تشبيه در مثنوی توجه کنید:

روح او چون صالح و تن ناقه است    روح اندر وصل و تن در فاقه است  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج: ۱، ۵۰۱)

این قضا ابری بود خورشیدپوش    شیر و اژدرها شود زو همچو موش  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج: ۱، ۵۰۵)

در این نوع تشبيه، طرفین تشبيه از دو نوع عقلی و حسی تشکیل شده‌اند. در مثنوی و حدیقه به کارگیری این نوع تشبيهات برای بیان مضامین تعلیمی - عرفانی و اخلاقی است. در این نوع تشبيه غالباً مولانا و سنایی کوشیده‌اند امری معقول اعم از حالت عاطفی، خوی و خصلت اخلاقی، مفهومی معقول یا امور مربوط به عالم غیب و مجردات را از راه مانند کردن آن به امر

محسوسی که از جهت یا جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیک نمایند. این امر موجب شده مباحث مطرح شده در این آثار برای عامه مردم، و نه فقط قشر خاصی، قابل فهم باشد. این مشبه‌ها عموماً از تجربیات عادی زندگی انسان‌ها وام گرفته شده است.

ب) تشیبیه محسوس به محسوس: در این نوع تشیبیه، مشبه و مشبه‌به، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافت‌اند. هدف از این تشیبیه آن است که نقش مشبه، بهوسیله مشبه‌بهی که در وجه‌شبه موردنظر شاعر، واضح و اعرف از مشبه است، به خواننده یا مخاطب شناسانده شود. بیش از نیمی از تشیبهای حدیقه از نوع محسوس به محسوس است و سنایی از میان تشیبیه‌ها به تشیبیه حسی به حسی علاقه‌مند بیشتری داشته است. این امر در مقایسه با مثنوی معنوی نشان می‌دهد مولانا بیش از سنایی علاقه‌مند به حوزه مفاهیم معقول و توصیف آن از راه تشیبیه به محسوسات بوده است و ذهن پیچیده‌تر و حکیمانه‌تری در این مورد داشته است و همچنین در پی عینیت بخشیدن و ساده‌سازی مباحث و مفاهیم بوده است. چند نمونه از این تشیبیه در حدیقه آورده می‌شود:

کوکب از راه کهکشان پیدا راست چون اشک و چشم نایینا  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۳۴۳، ب)

گردن جمله از تف سیا<sup>۱</sup> همچو کرباس در کف نیلی<sup>۲</sup>  
(همان، ۶۷۰، ب)

همچنین دومین نوع تشیبیه ازلحاظ بسامد در مثنوی، تشیبیه محسوس به محسوس (حدود یک‌سوم) است. از این‌رو می‌توان گفت دومین حوزه مورد علاقه یا توجه مولانا برای توصیف از طریق تشیبیه، محسوسات هستند.

صد هزاران شیر بود او در تنی او چو آتش بود و عالم خرم‌نی<sup>۳</sup>  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۱۳)

آن کنیزک از مرض چون موى شد چشم شه از اشک خون جوى شد  
(همان، ج ۱، ۵۲)

ج) محسوس به معقول: در این تشیبیه، مشبه، محسوس و مشبه‌به معقول است، در این نوع تشیبیه، مشبه‌به معقول، وجه‌شبه و مقصود موردنظر شاعر را صریح‌تر و روشن‌تر از مشبه که حسی است بیان می‌نماید، علاوه بر این به نظر می‌رسد در این گونه موارد، هدف شاعر نوعی

ارتقا بخشیدن به شان و مرتبه امر محسوس است، چراکه در خصوصیت موردنظر او، آن محسوس با آن معقول رقابت می‌کند و گاه نیز ممکن است که مشبه‌به عقلی برای مشبه حسی نوعی اغراق در بیان مقصود را به همراه داشته باشد. این تشییه در حدیقه در ردیف سوم از این تقسیم‌بندی قرار دارد. از آنجایی که یکی از اثرات احتمالی استفاده از تشییه محسوس به معقول، پیچیدگی و ابهام در توصیف است و سنایی و مولوی به ساده‌سازی مباحث و جنبه تعلیمی بخشیدن به آن علاقه دارند، بسیار کم از آن استفاده کرده‌اند. به نمونه‌هایی از این تشییه در حدیقه توجه کنید:

در سخن لفظ او چو سحر حلال در جهان جود او چو عذب زلال  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۱۳، ب ۶)

می‌نبینی از آن که شب‌کوری روز، چون عقل ابله‌ان عوری  
(همان، ۸۹، ب ۱۳)

این تشییه در دفتر اول متنوی در ردیف آخر این تقسیم‌بندی جای دارد و میزان کاربرد آن از حدیقه نیز کمتر است؛ چراکه اصولاً دشوار و پیچیده ساختن مفاهیم از اهداف ادبیات تعلیمی به دور است.

موج خاکی و هم و فهم و سُکر است و فناست موج آبی محو و سُکر است و فناست  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۵۷۵)

دست بگشاد و کنارانش گرفت همچو عشق اندر دل و جانش گرفت  
(همان، ج ۱: ۹۳)

د) تشییه معقول به معقول: در این نوع تشییه مشبه و مشبه‌به هر دو عقلی هستند. این تشییه دارای کمترین بسامد در حدیقه است. در مجموع این نوع تشییه‌های در ادبیات فارسی، کمتر دیده می‌شود؛ چراکه اصولاً توصیف مفهومی عقلانی با مفهوم عقلانی دیگر تا حدودی از اهداف تشییه دور است.

هنر از مرد همچو روح از تن بی هنر، زنده جان و مرده بدن  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۲۹۹، ب ۶)

در دفتر اول متنوی معنی این تشییه در ردیف سوم از این تقسیم‌بندی قرار دارد.  
خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۰۳۰)

### تقسیم تشیبهات بر حسب مفرد، مرکب و مقید بودن

الف) تشیبیه مفرد: در این نوع تشیبیه، مشبه و مشبه به تصویر فقط یک چیز است؛ بدون آنکه صفت یا مضاف‌الیه آن را همراهی کند. در این تقسیم‌بندی، عمدۀ تشیبهات در حدیقه از نوع تشیبیه مقید است. سنایی به مقید ساختن مشبه به‌ویژه با «صفت» علاوه‌مند است و با این روش مشبه یا مشبه‌های خود را به صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری توصیف می‌کند. در مثنوی اما تعداد تشیبهات مفرد بیشتر از تشیبهات مقید است.

ب) تشیبیه مقید: اگر مشبه یا مشبه به مقید به قیدی باشد، تشیبیه را مقید می‌گویند. دریافت تصویر حاصل از این تشیبیه به کمک عناصر متعددی که به هم اضافه شده‌اند میسر می‌شود. این تصاویر گسترش‌یافته‌تر از تصاویری هستند که در دو سوی تشیبیه مفرد می‌بینیم. سنایی اغلب مشبه یا مشبه‌های خود را همراه با قید توصیف کرده است. در بیشتر موارد قید یا وجه شبه است یا به درک وجه شبه کمک می‌کند. به نمونه‌هایی از این نوع تشیبیه در این دو اثر اشاره می‌شود:

کاغذ نامه همچو روضه نور      صورت حرف، زلف بر رخ حور  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۶۱۳، ب ۶)

آن بست منحوت چون سیل سیاه      نفس بتگر چشم‌های بر آب راه  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۷۷۶)

ج) تشیبیه مرکب: «تشیبیه مرکب هیأتی از چند چیز است، با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توأم‌ان نقش داشته باشند [...]. در تشیبیه مرکب جایز نیست که طرفین را تک‌تک به عنوان مشبه و مشبه به درنظر بگیریم [...]. در تشیبیه مرکب وجه شبه هم مرکب است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۰-۴۱). در خصوص این تشیبیه گفته‌اند: «تشیبیه است که می‌توان تصویر حاصل از آن را به صورت یک تابلو نقاشی درآورد. این تشیبیه در روند تطور هنری خود از سبک خراسانی عبور کرده و سرانجام به شکلی بسیار فشرده، در شعر سبک عراقی و هندی جلوه کرده است (ر.ک: حکیم‌آذر، ۱۳۹۰: ۳۷). در حدیقه تشیبیه مرکب پس از تشیبیه بلیغ، پرکاربردترین تشیبیه است.

علم جست از درونِ اهل صواب      همچو در جوی خُرد روشن آب  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۳۲۳، ب ۱۳)

نقش معنی ز خط او در صدر      بود روز نهفته در شب قدر

(همان، ۲۷۵، ب ۱)

در دفتر اول مثنوی نیز تشییه مرکب جزو چند تشییه پرکاربرد است. در بین حالات مختلفی که مشبه به از قبیل مفرد، مقید و مرکب می‌تواند بپذیرد، مشبه به مرکب ارزش ادبی و بلاغی خاص دارد. این نوع تشییه که در این دو اثر بهوفور به کار رفته، در قابل درک کردن امور انتزاعی و دشوار بسیار مؤثر است.

نقش باشد پیش نقاش و قلم عاجز و بسته چو کودک در شکم  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۶۱)

نکته‌ای کان جست ناگه از زبان همچو تیری دان که جست آن از کمان  
(همان، ج ۱: ۱۶۵۸)

### تقسیم تشییهات بر حسب شکل آنها

تشییه را از نظر شکل ظاهری به انواعی تقسیم می‌کنند. مقصود از شکل ظاهری تعداد و یا تعدد مشبه و مشبه به و ترتیب قرار گرفتن آنها در یک تشییه و یا آوردن چند تشییه در کنار هم است. در این تقسیم‌بندی تشییه‌های پنهان و نیز تشییه‌هایی که در آنها، مشبه بر مشبه به برتری داده می‌شود، نیز قرار دارند. در ادامه به بررسی هریک از انواع این تشییهات پرداخته می‌شود.

الف) تشییه ملغوف: در این نوع تشییه باید «چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شوند و سپس مشبه‌های هر کدام گفته شود» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۷). در حدیقه تشییه ملغوف در مقایسه با سایر انواع تشییه، از نظر بسامد در میانه قرار دارد و کاربرد بیشتری از تشییه‌هایی چون تشییه تفضیل، مضمر، مقلوب، و تسویه دارد.

دست و تیغش قضا شمار و قدر تیر و رمحش بهسان شمس و قمر  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۲۲، ب ۱۳)

دل و چشمش ز شوق در محراب چشمه آفتاب و چشمه آب  
(همان، ۲۴۲، ب ۳)

تشییه ملغوف در دفتر اول مثنوی جزو تشییهات کم‌کاربرد است.  
این زمین پاک و آن، سوره‌ست و بد این فرشته پاک و آن دیو است و دد  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۷۴)

صورت از معنی چو شیر از بیشه دان یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان  
(همان، ج ۱: ۱۳۶)

ب) تشییه مفروق: در این نوع تشییه نیز مانند تشییه ملفووف چند تشییه در کنار یکدیگر می‌آیند، با این تفاوت که هر مشبه در کنار مشبه به خود قرار می‌گیرد. این تشییه جزو تشییهات تقریباً پرکاربرد در حدیقه و تعدد تشییه در آن سبب خیال‌انگیزی و کوشش ذهنی بیشتر مخاطب می‌شود. بنابراین در هر دو اثر نمونه‌های قابل توجهی از آن مشاهده می‌شود.

خشم چون تیغ و حلم چون زره است تو مهی ز آن گزین ز به که به است  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۵۰، ب ۷)

کاربرد تشییه مفروق در دفتر اول مثنوی بسیار بیشتر از تشییه ملفووف است. در واقع پر کاربردترین تشییه به اعتبار شکل آن، در دفتر اول مثنوی تشییه مفروق است.

آن خطای دیدن ز ضعف عقل اوست عقل کل مغز است و عقل جزو پوست  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۷۴۳)

ما چو زنبوریم و قالبها چو موم خانه خانه کرده قالب را چو موم  
(همان، ج ۱: ۱۸۱۳)

ج) تشییه جمع: در این تشییه برای یک مشبه، چند مشبه به آورده می‌شود. پرکاربردترین تشییه به اعتبار شکل آن، در حدیقه سنایی تشییه جمع است. او با استفاده از تشییه جمع تصویری چندبعدی مرکب از چند جزء خلق می‌کند که از سویی به تازگی و غرابت و شگفتی تصویر تشییه‌ی می‌افزاید و از سوی دیگر جنبه توصیفی آن را تقویت می‌کند.

آب و لؤلؤ و جان، صفات اوست ابر و دریا و کان، سخاوت اوست  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۶۱۳۱۳۹۲، ب ۱۶)

عقل هم گوهر است و هم کان است هم رسول است و هم نگهبان است  
(همان، ۲۹۵، ب ۱۵)

گفت پیغمبر که اصحابی نجوم رهروان را شمع و شیطان را رجوم  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۶۵۶)

دید درگاهی پر از انعام‌ها اهل حاجت گسترشده دامها [...] بهر گبر و مؤمن و زیبا و زشت همچو خورشید و مطر بل چون بهشت  
(همان، ج ۱: ۲۷۳۷ و ۲۷۳۹)

د) تشییه تسویه: این تشییه عکس تشییه جمع است؛ یعنی برای چند مشبه یک مشبه به می‌آورند. این تشییه در هر دو اثر جزو تشییهات کم‌کاربرد است. اصولاً در اهداف تربیتی،

گوینده تا حد امکان سعی می‌کند در مقابل هر مشبه، حداقل یک مشبه به قرار دهد تا به ایضاح مطلب و انتقال پیام کمک کند. از این جهت است که بسامد تشییه تسویه بیشتر از تشییه جمع در این دو اثر است.

۶۵

ظللم، صفرای ملک و دین آمد رای و تیغش، سکنجین آمد

(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۸۷، ب ۶)

در غرورش توانگر و درویش راست همچون خیال گنجاندیش

(همان، ۳۶۲، ب ۳)

عقل اندر بیش و نقصان ننگرد زان که هر دو همچو سیلی بگذرد

(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۲۸۹)

ه) تشییه مضمر: مضمر به معنی پنهان و پوشیده است و تشییه مضمر، تشییه‌ی است که در ظاهر کلام آشکار نیست و باید از معنای کلام و مقصود گوینده به آن پی برد. این تشییه در هر دو اثر بسامد چنانی ندارد اما در مثنوی کمی بیشتر دیده می‌شود. ازانجایی که سنایی و مولوی هر دو بیش از آنکه در پی زیبایی‌های هنری و زبانی باشند، به دنبال انتقال مفهوم هستند، از تشییه مضمر کمتر بهره برده‌اند؛ چراکه کاربرد این نوع تشییه بدین معنی است که ظاهرًا با ساختار تشییه‌ی مواجه نیستم ولی مقصود گوینده تشییه است. در بیت زیر جهان اسباب به کشتی تشییه شده است.

خلق تا در جهان اسبابند همه در کشتی‌اند و در خوابند

(سنایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰، ب ۵)

از زمین بروی مشک برخیزد خون عاشق، چو زلف او ریزد

(همان، ۳۵۹، ب ۱۳)

در بیت فوق نیز زلف در نهان به مشک تشییه شده است. مثال‌های زیر از دفتر نخست مثنوی است. در بیت اول جسم به خورشید و در بیت دوم دل به صدف و مرجع ضمیر آن (اندیشه نیک و بد) به ڈر تشییه شده است.

گرچه جسم نازکت را زور نیست لیک بی خورشید ما را نور نیست

(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۳۹)

روز دل‌ها را از آن پر می‌کند آن صدف‌ها را پر از ڈر می‌کند

(همان، ج ۱: ۱۶۸۳)

و) تشبیه تفضیل: تفضیل به معنای برتری است و علت نام‌گذاری این تشبیه این است که در این نوع تشبیه «نخست مشبه را به چیزی تشبیه کنند، سپس از گفته خود عدول کرده، مشبه را بر مشبه به ترجیح نهند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۰). این تشبیه جزو کم‌کاربردترین تشبیهات در حدیقه است. در تشبیه تفضیل نویسنده یا شاعر «نه تنها مشبه را به مشبه به ترجیح می‌دهد، بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌نماید و جنبه منفی و حداقل کم‌خاصیتی و انفعال بدان نسبت می‌دهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل می‌گردد» (طالیان، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین، این نوع تشبیه از سویی نشان‌دهنده تناسی تشبیه و از سوی دیگر بیان حال مشبه و تفضیل آن بر مشبه به است است. همان‌طورکه مشخص است استفاده از این تشبیه نیز با اهداف تعلیمی در تناقض است.

سیل نامد، نهال‌کن‌تر از او  
مرغ نامد، قفس‌شکن‌تر از او  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۱۹۷، ب ۱۷)

از دم ما گردد آن ظلمت چو چاشت  
ظلمتی را که آفتابش برندشت  
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۹۴۲)

ای جفای تو ز دولت خوب‌تر  
و انتقام تو ز جان محبوب‌تر  
(همان، ج ۱: ۱۵۶۶)

ز) تشبیه مقلوب یا عکس: شبیه مقلوب جایه‌جا کردن مشبه و مشبه به و وارونه ساختن رابطه تشبیه‌ی میان طرفین تشبیه بدون تغییر دادن خود آن طرفین است. در تشبیه مقلوب طرفین تشبیه ثابت‌اند و هر کدام یک بار مشبه و یک بار مشبه به واقع می‌شوند. این تشبیه فقط یک بار در حدیقه آمده است و در دفتر اول مثنوی مشاهده نشد.

یار، مار است چون زنی تو درش  
مار، یار است چون رمی ز برش  
(سنایی، ۱۳۹۲: ۷۷، ب ۳)

#### تقسیم تشبیهات بر حسب عناصر به کاررفته در مشبه به آن‌ها

بر این اساس تشبیهات به ۹ دسته تقسیم شده‌اند: ۱. پدیده‌های طبیعی، ۲. مصنوعات انسان، ۳. انسان، متعلقات و ملزمات احوال او، ۴. حیوانات و متعلقات آنها، ۵. بنا و متعلقات بنا، ۶. امور عقلی - وهمی، ۷. عناصر دینی و اساطیری، ۸. عناصر فرهنگی و اساطیری، ۹. شخصیت‌های دینی و تاریخی (ر.ک: گلچین، ۱۳۹۰: ۳۴۶). تنوع عناصر به کار رفته در مشبه به تشبیهات، نشانگر وسعت قلمرو اطلاع و معرفت شاعر در زمینه‌های مختلف است.

پرکاربردترین گروه در میان مشبه‌بهای حديقه پدیده‌های طبیعی و سپس انسان و متعلقات و ملزومات احوال او هستند. از بین پدیده‌های طبیعی، آسمان، فلک، خورشید، ستاره و سایر اجرام آسمانی مواردی نزدیک به این گروه مانند باد، ابر، آتش و آب بیشترین مشبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از مصنوعات انسان که در سومین جایگاه از نظر بسامد قرار دارد، جواهرات و ابزار زیستی مانند «در»، «لعل» و «مرجان»، و لوازم پادشاهی مانند «تاج» و «تحت»، و سپس ابزارآلات جنگی مانند «زره»، «جوشن»، «کمان»، «تیر»، و «تیغ» در صدر قرار دارند. چهارمین گروه متعلق به حیوانات است که حیواناتی چون مار، سگ، اسب، باز، شتر و خر دارای بیشترین تکرار هستند. گروه بعدی عناصر دینی و فرهنگی هستند که عناصر مربوط به دین اسلام در صدر قرار دارند. «براق»، «دوزخ»، «بهشت»، «فرشته»، «زمزم»، «کعبه» و «طوبی» جزو این موارد هستند. امور عقلی و وهمی در ردیف ششم عناصر به کاررفته در مشبه‌بهای حديقه جای گرفته‌اند. «جان»، «عقل»، «قضا»، «اجل»، «امل» و «اقبال» از پر تکرارترین این موارد به شمار می‌روند. بنا و متعلقات آن مانند «در»، «دروازه»، «محراب»، «بارگاه»، «خرگاه»، «بام» و «ستون» نیز در ردیف بعدی این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. عناصر فرهنگی و اساطیری مانند «دیو»، «اژدها»، «شب‌دیز»، «رخش»، «بیژن»، «عنقا»، و «هما» در جایگاه هشتم عناصر به کاررفته در مشبه‌بهای حديقه قرار دارند. آخرین گروه با کمترین بسامد متعلق به شخصیت‌های دینی و تاریخی است که «معاویه»، «قوم عاد»، «حضرت عیسی (ع)»، «حضرت موسی (ع)»، «سامری»، و «حضرت یوسف (ع)» جزو این دسته قرار می‌گیرند.

همچنین در دفتر نخست مثنوی نیز بیشترین عناصر به کاررفته در مشبه‌بهای پدیده‌های طبیعی هستند که در آن میان سهم «آب» و متعلقات آن مانند «دریا»، «موج»، «چشمه»، «نهر»، و «جوی» بیش از بقیه است. پس از آن نیز اجرام آسمانی مانند ماه و خورشید قرار دارند. در ردیف دوم مصنوعات انسان جای دارند که ابزار و وسایلی چون «پرده»، «چراغ»، «سمع»، «آینه»، «زنگیز» و «کوزه» از بسامد بیشتری برخوردارند. انسان و متعلقات و ملزومات احوال او دسته سوم از لحاظ بسامد در این طبقه‌بندی هستند و بعد از آنها، حیوانات قرار می‌گیرند. حیواناتی مانند «شیر»، «مرغ»، «ماهی» و «مار» بیش از سایر حیوانات در جایگاه مشبه به قرار گرفته‌اند. بنا و متعلقات آن همچون «ستون»، «دیوار»، «ایوان»، و «زندان» نیز در ردیف بعدی جای دارند. امور عقلی و وهمی در رتبه ششم قرار دارند و «جان»، «عمر»، «عقل»، و «کفر» دارای بیشترین تکرار در این گروه هستند. رتبه هفتم متعلق به عناصر دینی و اساطیری مانند «ابليس»، «دوزخ»، و «فرشته»

است. عناصر فرهنگی و اساطیری مانند «سیمرغ»، «آب حیوان»، «دیو» و «اژدها» نیز در جایگاه بعدی هستند. در مثنوی نیز مانند حدیقه کم‌بسامدترین گروه شامل شخصیت‌های دینی و تاریخی است که پر تکرارترین آنها «حضرت سلیمان (ع)»، «بوجهل»، «حضرت ایوب (ع)»، «مجنون»، «افلاطون»، و «دجال» هستند.

در مثنوی، بیشترین چیزی که از طریق تشبیه، توصیف شده است، «انسان» است. این مشبه در حدیقه نیز در جایگاه سوم قرار دارد. توجه به انسان و شناخت ماهیت وی موضوعی است که از قدیم‌الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است و کمتر مکتب فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد. از این‌رو قرار گرفتن «انسان» در صدر مشبه‌های حدیقه و دفتر اول مثنوی مسئله‌ای موردنظر و طبیعی است. همچنین پرداختن به مباحث و مفاهیم مانند دل، عقل، جان و نفس نشان از دغدغه‌این دو شاعر درمورد شرح و توصیف مفاهیم پایه و اصولی عرفان و تصوف دارد. ده مشبه پریسامد در حدیقه عبارتند از: دل، عقل، انشان، جان، پیامبر (ص)، نفس، علم، علی (ع)، عشق، و دنیا. ده مشبه پریسامد در مثنوی نیز عبارتند از: انسان، دل، حضرت علی (ع)، علم، نفس، عقل، آب، آتش، عشق.

همچنین پریسامدترین مشبه به مشترک در دو اثر «آب» است. آب یکی از محورهای مهم نمادپردازی در این دو اثر بهویژه مثنوی است که به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود از جمله پاکی، پاک‌کنندگی، حیات‌بخشی، شکل‌پذیری، سیالیت و مانند آن از قابلیت پذیرش معانی نمادین متعددی برخوردار است. در این دو اثر آب دارای نمادپردازی دوگانه است؛ یعنی هم سرچشمه زندگی است و هم مایه مرگ و نابودی و ویرانی. ده مشبه به پریسامد در حدیقه عبارتند از آب، ذُر، آفتاب، سگ، شمع، ماه، مار، گوهر، دیو، چراغ، و صدف. و ده مشبه به پریسامد در دفتر اول مثنوی عبارتند از: آب، آتش، آفتاب، جان، دریا، شیر، آینه، تیغ، گوهر، ماه.

### نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش نتایج ذیل به دست آمده است:

مولوی کمتر از سنایی به بیان تمامی ارکان در تشبیه رغبت نشان داده است که البته این امر می‌تواند ناشی از رشد و تطور تشبیه و حرکت هرچه بیشتر آن به سمت استعاره در طول تاریخ بلاught باشد.

در حدیقه کاربرد تشبیه مفصل در مقایسه با تشبیه مجلل بسیار کمتر است. این امر نشان

می‌دهد سنایی علاوه‌ای به ذکر وجه شباه و تبیین آن برای مخاطب نداشته است و تلاش ذهنی و ادبی مخاطب را خواستار است. در دفتر اول متنوی نیز این نوع تشییه در مقایسه با تشییهات مجمل دارای بسامد بسیار کمتری است و از این نظر میان این دو اثر شباهت وجود دارد.

۶۹

تشییه مجمل در حدیقه جزو تشییهات پرکاربرد است و بخش عمدهٔ تشییهات این اثر خالی از اشاره به وجه شباه هستند (با احتساب تشییه‌های بلیغ). در دفتر نخست متنوی نیز بسامد تشییه مجمل تقریباً چهار برابر تشییهات مفصل است.  
پربسامدترین تشییه در این دو اثر تشییه بلیغ است.

تشییه از نوع معقول به محسوس دارای بیشترین بسامد در دفتر نخست متنوی معنوی است و در واقع بیش از نیمی از تشییهات در این اثر از نوع محسوس به معقول هستند. بیش از نیمی از تشییهات حدیقه نیز از نوع محسوس به محسوس است و سنایی از میان تشییه‌ها به تشییه حسی به حسی علاقهٔ بیشتری داشته است. این امر در مقایسه با متنوی معنوی نشان می‌دهد مولانا بیش از سنایی علاقه‌مند به حوزهٔ مفاهیم معقول و توصیف آن از راه تشییه به محسوسات بوده است و ذهن پیچیده‌تر و حکیمانه‌تری در این مورد داشته است و همچنین در پی عینت بخشیدن و ساده‌سازی مباحث و مفاهیم بوده است.

عمدهٔ تشییهات در حدیقه از نوع تشییه مقید است. سنایی به مقید ساختن مشبه به‌ویژه با «صفت» علاقه‌مند است و با این روش مشبه یا مشبه‌های خود را به صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری توصیف می‌کند. در متنوی اما تشییهات مفرد بیشتر از تشییهات مقید هستند.

تشییه مرکب جزو چند تشییه پرکاربرد در این دو اثر است.

پرکاربردترین تشییه به اعتبار شکل آن، در حدیقه سنایی تشییه جمع و در دفتر اول متنوی تشییه مفروق است.

پرکاربردترین گروه در میان مشبه‌های حدیقه و دفتر نخست متنوی پدیده‌های طبیعی هستند.

در متنوی، بیشترین چیزی که مورد توصیف از طریق تشییه قرار گرفته است، «انسان» است. این مشبه در حدیقه نیز در جایگاه سوم قرار دارد. توجه به انسان و شناخت ماهیت وی موضوعی است که از قدیم‌الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است و کمتر مکتب فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد.

همچنین پرسامدترین مشبه به مشترک در دو اثر «آب» است. آب یکی از محمورهای مهم نمادپردازی در این دو اثر بهویژه مثنوی است که بهدلیل ویژگیهای ذاتی خود از جمله پاکی، پاک‌کنندگی، حیات‌بخشی، شکل‌پذیری، سیالیت و مانند آن از قابلیت پذیرش معانی نمادین متعددی برخوردار است.

۷۰

## منابع کتاب‌ها

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱) سفر در مه، تهران: آگاه.  
رجایی، محمدخلیل (۱۳۶۸) *معالم البلاعه*، تهران: علمی و سخن.  
سنایی، مجده‌دین آدم (۱۳۲۹) *حدائق‌الحقیقت و طریقه الشريعة*، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) بیان و معانی، تهران: فردوس.  
کروچه، بندو (۱۳۴۴) *کلیات زیبایی‌شناسی*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸) مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: مولی.  
میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) *واژزنامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز.

## مقالات

حکیم‌آذر، محمد. (۱۳۹۰). ساختار تشیبیه مرگ در شعر منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی. *فنون ادبی*، ۳(۲)، ۳۷-۵۴.  
Dor: 20.1001.1.20088027.1390.3.2.5.6.۵۴-۳۷  
طالبیان، یحیی، محمدی افشار، هوشنج. (۱۳۸۴). تشیبهات هنری در غزل سعدی. *زبان و ادبیات فارسی کرمان*، ۱۴(۲۲)، ۲۷-۵۲.  
گلچین، میترا. (۱۳۹۰). بررسی ساختارهای مختلف تشیبیه در مثنوی معنوی. *بهار ادب*، ۴(۱۱)، ۳۳۹-۳۵۲.

## References

### Books

- Pournamdarian, Taqi (2012) *Travel in the fog*, Tehran: Aghaz.  
Rajaee, Mohammad Khalil (1989) *Ma'alalm al-Balaghha*, Tehran: Ilmi and Sokhn.  
Sanai, Majdod Bn Adam (1950) *Hadiqah al-Haqiqah and Qaba al-Shari'ah*, edited by Mohammad Taghi Modares Razavi, Tehran: University of Tehran Press.  
Shamisa, Siros (2002) *Expression and meanings*, Tehran: Ferdous.

Krocheh, Bendeto (1956) *General Aesthetics*, translated by Fouad Rouhani, Tehran: Book Translation and Publishing Company.

Molavi, Jalaluddin Mohammad (1989) *Masnavi Manavi*, edited by Reynold Nicholson, Tehran: Molly.

Mirsadeghi, Meymanat (1994) *Dictionary of poetic art*, Tehran: Mehnaz book.

### Articles

Golchin, M. (2011). Examining the different structures of similes in Masnavi Ma'navi. *Bahar Adab*, 4(11), 339-352.

Hakimazar, M. (2011). Compound simile in Farokhi Sistani and Manoochehri's works. *Literary Arts*, 3(2), 37-54. Dor:20.1001.1.20088027.1390.3.2.5.6

Talebian, Y, Mohammadi Afshar, H. (2005). Artistic similes in Saadi's Ghazal. *Kerman Persian Language and Literature*, 14(22), 27-52.

## Comparative comparison of different forms of analogy in Sanai Hadith and Masnavi

Sohrab Yousefi<sup>1</sup>, Dr. Mohammad Ali Khaledian<sup>2</sup>, Dr. Ruhollah Hadi<sup>3</sup>, Dr. Hassan Ali Abbaspour Esfadan<sup>4</sup>

### Abstract

Analyzing ancient works of Persian literature, most contents and themes of poems were the subject of speech, and the structure of poems, the relationship of speech components were less investigated. A poet communicates with nature and its beyond according to the technique and forms his mental structure with it. The current paper investigates and compares analogy and classifies its different structures in Hadighe Sana'ee and the first notebook of Masnavi Mulana, according to the analytical\_ descriptive method and by the use of statistical surveys. Comparing the frequency of various forms of analogy in Hadighe Sana'ee and Masnavi Mulavi represents which structures and elements did Sana'ee and Mulana use in their educational style to achieve their goals. According to the findings, a kind of analogies, reasonable \_to\_ sensible, in Masnavi and another kind of analogies, sensible \_to\_ sensible, in Hadighe have been frequently used. In other classification, a collective analogy in Hadighe and subtracted analogy in Masnavi have been frequently used after the eloquent analogy, the most frequent one in Hadighe and Masnavi. Natural phenomena in both works have been mostly used elements in analogized words, as well. This can be influenced by the common naturalism in mysticism and Sufism, which in many cases also considers nature to have a soul and movement. one of the most frequent analogized word in these two works, is the term "human" and the most frequent word analogized to, is the term "water". This similarity is significant and it is worth investigating.

**Keyword :** Analogy, mysticism, Mulavi, Masnavi, Hadighe, Sana'ee.



<sup>1</sup>. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. S. Yousefi@gorganiau.ac.ir

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Corresponding author) M.khaledian@gorganiau.ac.ir

<sup>3</sup>. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. Rhadi.ut.ac.ir

<sup>4</sup>. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. abbaspour@gorganiau.ac.ir